



در مسیر کمال

آیا برای زیباسازی آینده‌ام تلاش می‌کنم؟

منم و حقیقتی که عمر خود را صرف کشف و درکش نمودم. حقیقتی که تا هویت خود را آسمانی نکردم، از پرده بیرون نیامد و تا عشق و ایمانم را به اثبات نرساندم، رخ از حجاب برنکشید و این حقیقت، چیزی نبود جز این جمله که «مسیر رسیدن به خدا، از میان خلق می‌گذرد و برای گذر از میان خلق، باید از خود آغاز کرد. باید به خلق یک زندگی سراسر خلاقیت پرداخت و این خلاقیت در کسب ثروت، معنویت، سلامت، ارتباط‌های انسانی و... محقق می‌شود.»

اکنون تمام قوای خود را از دورترین نقاط وجود خویش فراخوانده‌ام و همه‌ی نیروهای خود را بسیج کرده تا به این مهم، جامه‌ی عمل ببوشانم و با تمام وجود به استقبال زندگی بروم. تو نیز بدان آن‌چه دشمن سعادت و موفقیت توست و دست و پای انگیزه‌ها و تلاش تو را برای زیباسازی زندگی‌ات می‌بندد، چیزی نیست جز انگاره‌های منفی و باورهای اشتباهی که سبب می‌شوند خود را موجودی ناتوان ببینی، موجودی که ممکن نیست بتواند بر زندگی‌اش مسلط شده و به دست‌آوردی برسد. همین تصوره‌های نادرست هستند که حس ارزشمند بودن را در ما تنزل داده و عرصه را برای تاخت‌وتاز حس پوچی و بیهودگی، مهیا می‌سازند و این چنین است که به انبوه کسانی می‌پیوندیم که در بازی زندگی، نقش سیاهی‌لشگر را ایفا می‌کنند. همان‌هایی که روزبه‌روز پیمانه‌ی عمرشان پرمی‌شود بی‌آن‌که ببینند برای زندگی خود چه کردند؛ همان‌هایی که هر روز چشم به روی هستی می‌کشایند و طلوع خورشید جهان‌تاب را می‌بینند بی‌آن‌که عظمت آن را دریابند؛ بر روی زمین گام برمی‌دارند بی‌آن‌که آواز زمین را بشنوند؛ ستاره‌ها تک‌تک در قلب‌شان غروب می‌کند و بی‌آن‌که شکوه زندگی را درک نمایند، اندک‌اندک در خود رسوب کرده و در پوچی ایام، تهنشین می‌شوند.

آری، ما از این گروه نیستیم چون زندگی به چشم ما معنای دیگری یافته، اکنون آمده‌ایم تا به آن غنا ببخشیم و تمام طرح‌ها و ایده‌هایی را که به آن‌ها مهر تأیید خورده است و آن‌ها را به‌صورت حکم قطعی پذیرفته‌ایم، به مرحله‌ی اجرا درآوریم.

دکتر علیرضا آزمندیان

بنیان‌گذار تکنولوژی فکر

من تصویری واقع‌بینانه از زندگی آینده‌ام در ذهن خود ترسیم کرده‌ام و چون سربازی وفادار، آماده‌ام تا در راه رسیدن به هدف‌هایم، جهاد کنم. من از ابتدای مسیر کمال، این‌همه راه را تا این‌جا نیامده‌ام که در پاسخ به این سؤال، مردد بمانم. همین آمدنم، همین قدم در جاده‌ی کمال گذاشتنم، همین شور و اشتیاق برای تغییر و تحولم، خود تلاشی بوده برای ساختن زندگی‌ام که بهترین و عالی‌ترین باشد. من خود را می‌شناسم و خوب می‌دانم که ارزنده‌ترین و پرسودترین سرمایه‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری روی وجود خود ماست.

هر یک از ما سازمان بزرگی هستیم که محصولات بی‌شماری تولید می‌کند، علاقه‌ها و استعدادها، دانایی‌ها و توانایی‌ها، انگیزه‌ها و باورها، عشق و ایمان، آگاهی و خوداندیشی، حقیقت‌بینی و خردمندی، اشراق و تفکر، زیبایستی و مثبت‌اندیشی، چند نمونه از هزاران محصول بی‌شمار سازمان وجود ماست. برای افزایش سطح کارایی و اثربخشی این سازمان پیچیده، تنها از طریق هدف‌گذاری و طرح برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، برنامه‌های اجرایی و برنامه‌های استراتژیک، می‌توان به نتیجه رسید.

من برای زیباسازی زندگی‌ام، کمر همت را بسته‌ام. این تحولی که مرا از روزمرگی بیرون کشید و از خواب غفلت بیدار کرد و سبب شد تا به طرح معمایی هستی و شناخت ماهیت، هویت و درنهایت، معرفت خویش بپردازم، نقطه‌ی عطف زندگی‌ام شد و پاسخ به سؤال‌های بی‌پایانی که هر دم از خود می‌پرسیدم، مرا تا این‌جا کشاند که من از کجا آمده‌ام، من کیستم، چگونه زندگی می‌کنم و به کجا می‌روم؟

اکنون، دیدگاهم به زندگی، عوض شده و برخی از آن چیزهایی که زمانی ارزش‌های مطلق و تغییرناپذیر زندگی می‌دانستیم، در نگاهم، رنگ باخته است. اینک نقاب‌ها کنار رفته و حقیقت چهره‌ها، پدیدار گشته است. اینک منم و اقیانوس بی‌کران وجود خویش که از هر سو موج می‌زند و می‌خروشد. اینک

